

تحلیل مؤلفه‌های شهر عادل و رابطه آن با حق به شهر در کلانشهر تهران

نفیسه مرصوصی^{۱*}، اسماعیل علی‌اکبری^۲، افشین سفاهن^۳، وحید بوستان‌احمدی^۴

۱. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

۲. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

۴. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول، Email: marsousidanshjo@gmail.com

تاریخ دریافت: ۲۰ آذر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۴ دی ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: شهر عادل و حق به شهر خواسته‌ای است که از دل تباينات و تناقضات فضای انتزاعی برمی‌خیزد. این خواسته از امکاناتی که در لابه‌لای فضای متناقض سرمایه‌داری وجود دارد استفاده می‌کند و بروز می‌یابد. به همین دلیل است که صاحبان و تولیدکنندگان فضای انتزاعی (دولت، سرمایه و فن‌سالاران) آن را خوشایند نمی‌دانند.

هدف: هدف این نوشتار بررسی و تحلیل مؤلفه‌های شهر عادل و رابطه آن با حق به شهر در کلانشهر تهران است.

روش‌شناسی: این پژوهش از لحاظ هدف‌گذاری کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها به صورت به صورت میدانی (پرسشنامه محقق ساخته) و داده‌های نظری با روش اسنادی تهیه شده است. جامعه آماری این پژوهش ۴۰ نفر از خبرگان و متخصصان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی به صورت دلفی است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده از روش‌های آماری نظیر توزیع فراوانی، تی‌تک نمونه‌ای، خی دو، فریدمن تحلیل مسیر و معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS و SMART PLS استفاده گردیده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو این پژوهش کلانشهر تهران براساس تقسیمات سیاسی سال ۱۳۹۵ است.

یافته‌ها و بحث: نتایج یافته‌های پژوهش نشانگر این بود که سطح معنی‌داری آزمون اکثر مولفه‌ها و زیرمؤلفه‌های شهر عادل و حق به شهر کوچک‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، اختلاف معنادار منفی بین میانگین مؤلفه‌های شهر عادل و حق به شهر و مقدار متوسط (۳) وجود دارد و این مولفه‌ها از وضعیت مطلوبی در کلانشهر تهران برخوردار نیستند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به دست آمده از ضرایب معادلات ساختاری، مقدار t برای مسیرهای تحقیق (طبق قاعده خطای پنج درصد در ناحیه رد فرض صفر برای مقادیر خارج بازه ۱/۹۶ تا -۱/۹۶) برآورد شده است. لذا می‌توان بیان نمود که مسیرهای تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود و شهر عادل ۸۲ درصد بر حق به شهر در کلانشهر تهران تأثیر مثبت معناداری دارد.

کلیدواژه‌ها: شهر، شهر عادل، حق به شهر، عدالت فضایی، کلانشهر تهران.

مقدمه

در دهه‌های اخیر افزایش سریع روند شهرنشینی و رشد بی‌برنامه شهرها به خصوص در کشورهای جهان سوم تنش‌های شهری را به دنبال داشته است (Zarghamfard et al, 2020; Zarghamfard and Meshkini, 2021) این تنش‌ها افتراق فضایی و افزایش شکاف طبقاتی در جامعه را به دنبال داشته است. با افزایش تنش‌ها مسائل مربوط به عدالت، شمولیت، مشارکت، دسترسی، مالکیت و ... نیز بحرانی‌تر شده‌اند. از انجایی مفاهیم عدالت و برابری در راس قرار دارند لذا به صورت جدی نقل محافل علمی و دانشگاهی گردیده‌اند و دانشمندان علوم مختلف به‌ویژه علوم شهری توجه ویژه‌ای به آن‌ها دارند. بنابراین مساله عدالت شهری که از دیرباز وجود داشته در دنیای معاصر نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در حوزه جغرافیای انسانی و تئوری برنامه‌ریزی اخیراً شاهد رشد ادبیات نظری پیرامون شکل خاصی از عدالت شهری تحت عنوان "شهر عادل" هستیم (Moroni, 2020). بحث جدید درباره شهر عادل به نوشته‌های سوزان فاینشتاین در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۵، ۲۰۱۱ باز می‌گردد. در حقیقت نوشته‌های او جنبش شهر عادل را رهبری می‌کند. فاینشتاین با الهام از نظریه عدالت لجان رالز (۱۹۷۱) نظریه شهر عادل را بنا می‌نهد و از سنت لیبرال فلسفه سیاسی نیز غافل نیست (Steil and Delgadob, 2019). از آنجایی که شهرها رادیکال‌ترین تجربه بشریت برای تغییر واقعیت خود (شهر) هستند، لذا هر گونه بحث پیرامون شهر دلخواه ما در آینده با سؤالاتی نظیر "جامعه ارمانی ما کدام است؟" (Harvey, 2003) و کدام چشم‌انداز از یک شهر عادل الهام‌بخش ما است (Fainstein, 2010) مرتبط می‌شود که همه این سؤالات همراستا با مفهوم "شهرنشینی انسانی دیوید هاروی (Harvey et al., 2013; Harvey, 2003) مطرح و هدف همه آن‌ها دستیابی به یک "آینده مترقی و زیست پذیر (Sá et al., 2019)" است که شعار حق به شهر نیز در همین راستا قاعده‌سازی شده است.

با مطالعه و مرور پژوهش‌های صورت گرفته در مجلات معتبر، رابطه بین پدیده‌های فضایی و عدالت اجتماعی و به طور کلی شهر عادل عمدتاً در شهرهای کشورهای پیشرفته بررسی شده‌اند (Vacchelli and Kofman, 2018). از این رو توسعه نظری این مفهوم و توجه به آن در بستر شهرهای جهان سوم نیز قابل پیگیری است. بنابراین بررسی مفهوم شهر عادل و ارتباط آن با حق به شهر در شرایط و بستر شهر تهران به عنوان پایتخت سرمایه‌ای ایران می‌تواند به توسعه جهانی این مفهوم کمک کند. کلان‌شهر تهران در حال حاضر از لحاظ اجتماعی و اقتصادی به دو جامعه متفاوت تبدیل شده است. در یک سمت جامعه‌ای با شهروندان غنی قرار دارد که امکانات و ثروت در دست آن‌هاست و همراه با سیاست‌های شهری میزان کیفیت زندگی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. در سوی دیگر جامعه‌ای قرار دارد که با هرگونه کالایی‌سازی شهر یک قدم به حاشیه‌نشینی نزدیک‌تر می‌شوند. این گروه از انجایی که صاحب قدرت نیستند و توان مالی لازم برای حضور در بازارهای آزاد را ندارند لذا نمی‌توانند با سیاست‌های شهری جدید همراه شوند و به مرور زمان به لبه‌های شهر پرت می‌شوند و زندگی در حاشیه شهر را بالاجبار می‌پذیرند. از این رو شکاف و نابرابری فضایی به شدت نمایان شده است و قطب‌بندی جامعه روز به روز بیشتر می‌شود. با وجود چنین مسائلی ضرورت توجه به مفهوم شهر عادل و ارتباط آن با مفهوم حق به شهر در شهر تهران احساس می‌شود زیرا حداقل به صورت علمی و دانشگاهی به مدیران و متولیان شهری هشدار می‌دهد که وضعیت موجود در شهر تهران چگونه است. هرچند عدالت و برابری را به طور کامل نمی‌توان برقرار کرد اما کاهش شکاف نابرابری و بی‌عدالتی می‌تواند گام موثری برای تحقق حق جمعی شهروندان در تهران باشد. از این رو پژوهش حاضر با الهام از تئوری شهر عادل سوزان فاینشتاین در صدد ارائه تحلیل و تبیین وضعیت مولفه‌های شهر عادل در ارتباط حق به شهر برای کلان‌شهر تهران است تا از این طریق علاوه بر این که مدیران و متولیان شهری را آگاه می‌سازد به توسعه جهانی مفهوم شهر عادل نیز کمک کند. بنابراین پژوهش با یک سوال اساسی هدایت خواهد شد: وضعیت مولفه‌های شهر عادل در ارتباط با حق به شهر در کلان‌شهر تهران چگونه است؟

1. Theory of Justice

2. John Rawls

عدالت یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در بحث‌های نظریه سیاسی و هم در عمل سیاسی است. بیشتر رویکردهای امروزی بر مبنای نظریه عدالت رالزیا رابرت نوزیک بنا شده‌اند. اما باید توجه داشت که ایده عدالت به دوران کلاسیک باستان باز می‌گردد. امروزه دانشمندان علوم شهری عدالت را در شهرها را به طور جدی مطرح می‌کنند. آنان انعکاس بی‌عدالتی و نابرابری را در فضای شهری مورد خطاب قرار می‌دهند. عدالت و برابری در مطالعات شهری را می‌توان در فعالیت‌های پاول دیویدوف و همکارانش (Davidoff, 1965; Davidoff, 1978) در اواسط دهه ۱۹۶۰ ردیابی کرد. آنها ایده برنامه‌ریزی و کالتی را مطرح کردند. ایده اولیه این دو دانشمند سپس توسط دیوید هاروی در کتاب *عدالت اجتماعی و شهر* (۱۹۶۸)، و تولید اجتماعی فضا (۱۹۷۴)، هانری لوفر؛ در جستجوی عدالت فضایی ادوارد سوجا (۲۰۱۱) توسعه و بسط یافت و نهایتاً به یک مفهوم سازی جدید منجر گشت.

توجه ویژه به مساله عدالت در شهر تا قبل از ۱۹۹۰ فقط در آثار دیوید هاروی و هانری لوفر وجود داشت. هانری لوفر تئوری شهری خود را با دید نسبتاً لیبرال بنیان نهاده است. اما تحلیل‌های هاروی نگرش مارکسیستی به مسائل شهری دارد. علی‌رغم تفاوت‌ها، اما هاروی از تحلیل‌های هانری لوفر برای استدلال‌های خود بهره می‌جوید. چارچوب فکری این دو دانشمند تغذیه‌کننده عدالت فضایی ادوارد سوجا است. او در تحلیل خود سعی در برجسته کردن تفاوت‌های بین نظریه لوفر و هاروی است و از این طریق به دنبال بررسی نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های فضایی بارویکرد جغرافیایی است. طبق استدلال (Gottdiener, 1993)، روابط اجتماعی، فضایی است. از دیدگاه مارکسیست، همه چیز محصولات فعالیت‌های اجتماعی است و به عنوان کالای مبادله‌ای عمل می‌کند (Lefebvre 1991). بنابراین عوامل به اتفاق یکدیگر فضاهای جدیدی را تولید می‌کنند و این فضاهای جدید خود منجر به فضاهای جدید می‌شوند. روابط متقابل و تولید فضاهای جدید منجر به بی‌عدالتی و نابرابری فضایی می‌شود و شهر را به یک کالا تبدیل می‌کند. از سوی دیگر لوفر در "حق به شهر"، بر لزوم برقراری مجدد ساختارهای جدید شهری که به دنبال عدالت، دموکراسی و حقوق شهروندی برابر برای همه است تأکید می‌کند. دیوید هاروی در مباحث ابتدایی خود عملکرد توسعه شهر را بر مبنای توزیع درآمد تحلیل می‌کند. در تحلیل‌های او شهر سرمایه داری صنعتی نابرابری و بی‌عدالتی را به وجود می‌آورد. او ادعا می‌کند که خصوصی سازی نئولیبرال نیروی مخربی علیه عدالت است (Harvey, 2003). وی بر بی‌عدالتی اجتماعی تأکید می‌کند که فرآیندهای فضایی را ایجاد می‌کند و بر توزیع درآمد تأثیر می‌گذارد (Harvey, 1973). از این رو به جنبه سوسیالیستی نظریه خود افزود و در راستای ایده‌های جدید ایجاد عدالت تلاش می‌کند (Harvey, 2000).

در خصوص تفاوت بین نظریه هاروی و لوفر، ادوارد سوجا نیروهای عمده اجتماعی را عامل تولید فضای شهری معرفی می‌کند (Wagner, 2011). طبق استدلال سوجا در یک شهر حق مدنی برای همه محفوظ است و آزادی، اختیار، دموکراسی برای همه مورد احترام است. از منظر سوجا جستجوی عدالت فضایی به معنای تلاش جمعی برای بازپس‌گیری حقوق تمام کسانی است که در اثر بی‌عدالتی و نابرابری متحمل رنج شده‌اند (Soja 2010 B). سوجا ساختارهای مختلف جغرافیایی را در فرآیند تولید بی‌عدالتی‌های فضایی توصیف می‌کند (Wagner, 2011). از نظر سوجا حقوق فضایی شامل مشارکت آزاد و منصفانه در فرایندهای شهری، دسترسی و استفاده از شهر، جلوگیری از تفکیک فضایی و دسترسی برابر به خدمات عمومی است (Soja B 2010 B).

1. John Rawls

2. Robert Nozick

3 Paul Davidoff and Linda Stone Davidoff

4 Advocacy planning

5 David Harvey

6 Social justice and the City

7 The Condition of Postmodernity: An Enquiry into the Origins of Cultural Change

8 The Right to the City

9 social production of space

10 Henri Lefebvre's

11 Spatial justice

12 Edward Soja

اما در دهه ۱۹۹۰ آیریس ماریون یونگ در کتاب *عدالت و سیاست/اختلاف* (۱۹۹۰)، عدالت شهری را به‌طور ویژه تجزیه و تحلیل می‌کند و عدالت را به عنوان عدم وجود اشکال سلطه در شهر تعریف می‌کند. سپس در سال ۲۰۰۹ ریچارد ویلکینسون و کیت پیکت^۲ در کتاب "سطح روحیه: چرا برابری بیشتر جامعه را قوی‌تر می‌کند"^۳ استدلال کردند که نابرابری مادی تأثیر عمیقی بر طبقه بندی جمعیت، ناامنی و گسترش مصیبت های شهری دارد (Wilkinson and Pickett, 2009) و سطح رفاه جامعه شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (King, 2015). اخیراً دانشمندان جغرافیایی شهری، سیاست‌های شهری و جامعه شناسی شهری شکل جدیدی از عدالت شهری را تحت عنوان "شهر عادل" مورد بحث قرار داده اند. ریشه شهر عادل از دو جهت قابل بحث است. در یک سو ماهیت وجودی شهر عادل را باید در فلسفه غرب جستجو کرد و به ماهیت باستانی و تاریخی آن توجه کرد. از سوی دیگر نگرش جدید به شهر عادل را باید با شهرنشینی صنعتی تطابق دارد. اما شهر عادل به شکل کنونی را باید در جنبش‌های مطالعات شهری دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پیگیری کرد. بنیان‌های تئوریک شهر عادل در نوشته‌های متعدد سوزان فاینشتاین بین سال‌های ۲۰۰ تا ۲۰۰۵ مد نظر قرار گرفت. به دنبال معرفی این نظریه به جامعه علمی، پیتر مارکوزه و همکارانش (۲۰۰۹)، کتاب *در جستجوی شهر عادل* منتشر ساختند. اما اطلاعات جامع در خصوص شهر عادل در سال ۲۰۱۱ توسط خود فاینشتاین در کتاب *شهر عادل* به جامعه علمی عرضه شد. مدل شهر عادل از یک سو عدالت را به مثابه یک فرایند که ریشه در *عقلانیت/ارتباطی* دارد می‌نگرد و از سوی دیگر عدالت را به مثابه یک *برونباد* که نظر می‌گیرد که ریشه در تحلیل اقتصاد سیاسی دارد (Steil and Connolly, 2018). طبق استدلال فاینشتاین (۲۰۱۱)، عدالت شهری دارای ویژگی‌های برابری، تنوع و دموکراسی است و ممکن است آن‌ها در تضاد با یکدیگر باشند (Granberg and Glover, 2021). برابری به توزیع منافع مادی و غیر مادی حاصل از سیاست عمومی اشاره دارد و همانطور که نوزیک در کتاب *آناش، دولت و آرمان شهر* (۱۹۷۴) بیان می‌دارد برابری از طریق مداخله مداوم برای توزیع مجدد درآمد حاصل می‌شود (Nozick, 1974). ماهیت تنوع به "ارزش انسانی" باز می‌گردد. بدین معنا که ویژگی‌های انسانی نباید مانع پردشدگی شود. دموکراسی نیز با مفاهیم چون شفافیت، شمولیت و مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری معنا پیدا می‌کند (Fainstein, 2011; Steil and Delgado, 2019). فاینشتاین استدلال اصولی و بالقوه رادیکال رالز را می‌پذیرد (Uitermark, 2011) و در چارچوب مفهوم "حجاب جهل"^۴ جان رالز حرکت می‌کند (Uitermark, 2012). او در تلاش است تا مشکلات گروه‌های اجتماعی محروم را به تصویر بکشد. در حقیقت او به دنبال قراردادن گروه‌های محروم در مرکز سیاست‌های شهری است. طبق گفته (Fainstein, 2005) یک شهر عادل به صورت آگاهانه خلق می‌شود که این امر از طریق فرایند برنامه ریزی شهری صورت می‌گیرد. از این رو عدالت "هدف اصلی برنامه‌ریزی شهری در تمام اشکال نهادی و مردمی آن است و باید باشد" (Bromberg et al., 2007). بنابراین عدالت در برنامه‌ریزی شهری ریشه در مباحث دموکراتیک دارد (Fainstein, 2011).

از این منظر مفهوم شهر عادل فاینشتاین با مفهوم "حق به شهر" لوفور و هاروی ارتباط ویژه‌ای دارد اما حق به شهر انتقادی‌تر و رادیکال‌تر است. در حق به شهر لوفور، فرد مد نظر نیست بلکه گروه‌های اجتماعی در کانون توجه هستند و قدرت جمعی برای کنترل شهر ضروری است (Meshkini et al, 20). هاروی و پوتر (۲۰۰۹)، از تحولات شهری به عنوان بازیگر کلیدی در تحقق شهر عادل یاد می‌کند و مفهوم "حق به شهر عادل" را در راستای حق به شهر به کار می‌گیرد (Harvey and Potter, 2009) و معتقد است که مفهوم فاینشتاین از شهر عادل سرمایه داری را مورد خطاب قرار نمی‌دهد و ابعاد درگیری و مبارزه آشکار در شهر را نادیده می‌گیرد. در

1 Iris Marion Young

2 Justice and the politics of difference

3 Richard Wilkinson and Kate Pickett

4 The Spirit Level: Why Greater Equality Makes Societies Stronger

5 Searching for the Just City

6 Process

7 Communicative Rationality

8 Outcome

9 Equity

10 Diversity

11 Democracy

12 Anarchy, State And Utopia

13 Veil Of Ignorance

حقیقت پویایی اجتماعی لازم را ندارد (Harvey, 2009). همچنین به عادی سازی نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها منجر می‌شود که توسط (Novy and Mayer, 2009) مورد انتقاد قرار گرفته است. برداشت سوزان فاینشتاین از شهر عادل در واقع تلاشی است برای تعریف فلسفی شکل شهری هماهنگ و عادل (Harvey and Potter, 2009). اخیراً مورانی (۲۰۲۰)، در بحث پیرامون شهر عادل مسائل مربوط به نهادهای عمومی شهری و رابطه بین عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی را به عنوان ملاک قرار می‌دهد. او به لحاظ روش شناختی به شهر عادل می‌نگرد و معتقد است از آنجایی که این مسائل ناشناخته مانده اند لذا شهر عادل در عمل تحقق نیافته است (Moroni, 2020). استدلال مورانی مفهوم شهر عادل فاینشتاین برجسته‌تر می‌کند. زیرا از نظر فاینشتاین یک شهر عادل شهری است که طبقه محروم را ارتقا می‌دهد و شکاف بین فقیر و غنی را کاهش می‌دهد (Connolly, 2018). بدین ترتیب عدالت توزیعی و نهادهای عمومی در کاهش افتراق فضایی نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

هر یک از این جنبش‌ها موجبات تکامل و بلوغ بحث عدالت شهری را فراهم آورده است. هر کدام از آن‌ها با نگرش خاص خود سعی در برجسته سازی نابرابری و بی‌عدالتی شهری هستند و چرخش فضایی برای مبارزه با بی‌عدالتی و کاهش نابرابری را دنبال می‌کنند. طبق استدلال (Steil and Connolly, 2018) چارچوب شهر عادل به عنوان یک مکتب فکری در تئوری شهر در نظر گرفته می‌شود. جنبش حق به شهر هم راستا در راستای شعار شهر عادل و عدالت شهری است. هم نظریه پردازان شهری (Nawratek, 2012) و هم سیاست‌گذاران (New Urban Agenda, 2016) به اتفاق معتقدند که موضوعات عدالت فضایی، محرومیت اجتماعی و تفاوت چالش‌های اصلی برای تحقق حق مردم در شهر می‌باشند. حق به شهر، اصطلاحیست که توسط هنری لفور ابداع شده است و در سال‌های اخیر به یک سمبل و ایده آل برای حقوق بشر در شهرها و جوامع شهری تبدیل شده است. حق به شهر یک مفهوم و چشم‌انداز پیشرو در مطالعات شهری و علوم اجتماعی بوده است. بسیاری از نظریه‌پردازان (Attoh, 2011) در زمینه‌های برنامه‌ریزی و علوم شهری در ظهور دانش در این زمینه انتقادی نقش داشته‌اند که به بررسی حقوق، شهروندی و شهرها پرداخته‌اند. در زمینه شهر عادل و عدالت شهری پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی صورت گرفته است که از مهمترین آن‌ها می‌توان به پژوهش ذیل اشاره کرد:

سعیدی رضوانی (۱۳۹۳)، در پژوهشی بر شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی پرداخته است، نتایج این پژوهش نشانگر این بود در این میان معیارهای «رفاه مادی»، «تنوع قومی، نژادی، مذهبی»، «حفظ محیط زیست»، «مشارکت عمومی» و «همه‌شمولی» به‌عنوان مهم‌ترین معیارهای مشترک و معیارهای «سرپرستی پرهیزگاران»، «اعتدال در ارتباط با خدا» و «حفظ کرامت» از معیارهای مختص آموزه‌های اسلامی است. تقوایی و همکاران (۱۳۹۴)، میزان سنجش عدالت فضایی در چارچوب نظریه شهر عادل محور برای مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بودجه سرانه برای ۲۲ منطقه یکسان نیست و همچنین مؤلفه‌های عدالت به‌طور یکسان توزیع نشده است.

مرتضوی و شیخ (۱۳۹۸)، به بهینه‌سازی تخصیص بودجه مناطق شهری مشهد براساس شاخص‌های عدالت فضایی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شهر مشهد مقدس، از لحاظ شاخص‌های عدالت فضایی، در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. منطقه ثامن، به‌عنوان برخوردارترین و منطقه سه، محروم‌ترین منطقه کلان‌شهر مشهد، شناسایی شده‌اند.

باربیری و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی به جستجوی عدالت فضایی به عنوان یک چارچوب مفهومی و عملی برای تجزیه و تحلیل نابرابری‌های درون‌شهری و درون‌شهری با استفاده از رویکرد جغرافیایی و جمعیت شناختی برای ایتالیا پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش پس از تجزیه و تحلیل نشان داد که سطح بالایی از ناهمگونی و عدم وجود محیط‌های جمع‌وجور و جدا با رویکرد جغرافیایی و جمعیت شناختی در ایتالیا وجود دارد.

جیان و همکاران (۲۰۲۰)، به مفهوم‌سازی عدالت مکانی در برنامه‌ریزی فضای آزاد: دسترسی و شمول پرداخته‌اند. که این چارچوب مفهومی بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش شامل پنج ساختار است: دسترسی و مدیریت، جامعه‌پذیری و تنوع، تقاضا و تأمین، طبقه‌بندی اجتماعی و اطلاعات و شمول اجتماعی است.

1. Barbieri

2. Jian

روش شناسی

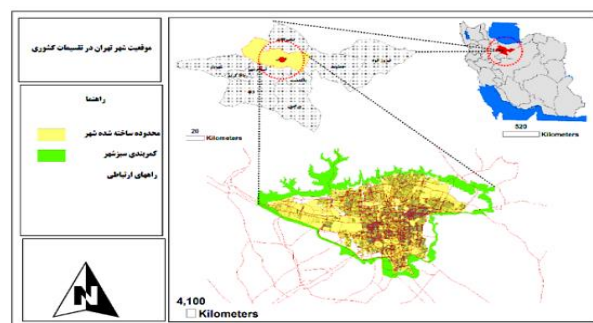
با توجه به اهداف تحقیق و مؤلفه‌های مورد بررسی نوع تحقیق کاربردی و روش بررسی آن توصیفی-تحلیلی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته، که در سال ۱۳۹۹ انجام شده است. داده‌های نظری با روش اسنادی و داده‌های تجربی با روش پیمایشی بر پایه تکنیک دلفی تهیه شده است. روش دلفی و نیز پویش محیطی ایجاب می‌کند که اطلاعات از خبرگان و متخصصان دریافت و تحلیل شود. برای انتخاب تیم دلفی، چون هدف تعمیم نتایج نیست، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. معیارهای انتخاب خبرگان، تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی است. نکته قابل توجه در تعیین تعداد خبرگان، کسب اطمینان از جامعیت دیدگاه‌های مختلف در پژوهش می‌باشد. با توجه به معیارهای فوق، در نهایت تعداد ۴۰ نفر از خبرگان و متخصصان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، برای شرکت و همکاری در فرآیند پژوهش انتخاب شده است. که نتایج آن به تفکیک هر یک از اطلاعات جمعیت شناختی به شرح زیر است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده از روش‌های آماری نظیر توزیع فراوانی، تی تک نمونه‌ای، خی دو، فریدمن تحلیل مسیر و معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS و SMART PLS استفاده گردیده است. در این پژوهش مقدار ضریب الفای کرونباخ برای تک‌تک متغیرها و همچنین کل متغیرها به شرح جدول (۱) است که پایایی‌ها همگی آن‌ها تأیید شد. همچنین برای بدست آوردن روایی پرسشنامه از تحلیل عاملی استفاده شده است که مقدار KMO به میزان ۰/۶۳۷، نشان می‌دهد پرسشنامه از لحاظ روایی در سطح خوبی قرار دارد. در این پژوهش شهر عادل متغیر مستقل و رویکرد حق به شهر متغیر وابسته است.

جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه

میزان آلفای کرونباخ	
۰/۷۹۷	سؤالات پرسشنامه شهر عادل
۰/۸۱۳	سؤالات پرسشنامه حق به شهر

قلمرو جغرافیایی پژوهش

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ کلان‌شهر تهران ۸۶۷۹۹۳۶ نفر جمعیت دارد که در پهنه‌ای معادل ۷۱۶ کیلومتر مربع اسکان و استقرار یافته است (شکل ۱). در بین مناطق ۲۲ گانه، منطقه چهار با بیش از ۹۱۷ هزار نفر و منطقه ۲۲ با ۱۷۵ هزار نفر جمعیت، به ترتیب پرجمعیت‌ترین و کم جمعیت‌ترین مناطق شهری هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). علاوه بر تفاوت‌های جمعیتی، تفاوت در وسعت مناطق، تفاوت در دسترسی به امکانات و سرانه‌های خدماتی و نابرابری در توزیع فرصت‌ها و منابع شهری، از دیگر ویژگی‌ها و مشخصه‌های سازمان فضایی و نظام اجتماعی-اقتصادی کلان‌شهر تهران است (علی اکبری و اکبری، ۱۳۹۸: ۱۵۷).



شکل ۱. موقعیت شهر تهران در تقسیمات کشوری

یافته‌ها و بحث

ویژگی‌های پاسخگویان و میانگین مولفه‌های مورد مطالعه

در این بخش از پژوهش به بررسی آمار توصیفی خبرگان و متخصصینی که برای شرکت و همکاری در فرآیند پژوهش انتخاب شده است. که نتایج آن به تفکیک هر یک از اطلاعات جمعیت شناختی به شرح زیر است. از ۴۰ نفر جامعه آماری بیشترین سابقه برای گزینه ۵ الی ۱۰ سال و کمترین سابقه برای بالای ۱۵ می‌باشد. نتایج دیگر بیانگر این است که حدود ۲۷ درصد از تحصیلات جامعه آماری منتخب کارشناسی ارشد و ۷۳ درصد دکتری می‌باشد. برای بررسی تخصص از خبرگان و متخصصین از ۴ گزینه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی، مدیریت شهری استفاده شد. با توجه نتایج به دست آمده ۴۷ درصد دارای تخصص در زمینه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۲۳ درصد شهرسازی، ۲۰ درصد دارای تخصص در زمینه مدیریت شهری می‌باشند. برای بررسی حوزه فعالیت خبرگان و متخصصین از ۲ گزینه سازمانی و دانشگاهی استفاده گردید که ۵۰ درصد از جامعه آماری فعالیت دانشگاهی و ۵۰ درصد فعالیت سازمانی دارند.

تحلیل استنباطی یافته‌ها

در بخش استنباطی توسط آزمون تی تک نمونه‌ای و فریدمن و همچنین با بکارگیری مدل معادلات ساختاری و تکنیک تحلیل مسیر به بررسی مسیرهای مشخص شده پژوهش مطابق با مدل مفهومی پرداخته می‌شود.

- آزمون "کلموگروف - اسمیرنوف"

برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده گردید و فرضیه آماری به صورت زیر می‌باشد. در صورتی که مقدار سطح معنی‌داری آزمون از مقدار خطای ۰/۰۵ بیشتر می‌باشد از نرمال بودن متغیر حمایت می‌گردد. نتیجه این آزمون نشان از نرمال بودن توزیع داده‌های تحقیق دارد (سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ است).

جدول ۲. نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف

متغیر	Z	Sig	نتیجه نرمالیتی
شهر عادل	۱/۳۲	۰/۰۶	نرمال است
حق به شهر	۱/۱۵	۰/۱۳	نرمال است

- نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

برای بررسی مولفه‌های پژوهش از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. بدین صورت که این آزمون، میانگین داده‌های یک متغیر را با یک مقدار مشخص، مقایسه کرده و معناداری یا عدم معناداری آن‌ها را مشخص می‌نماید (جدول ۳).

جدول ۳. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای متغیر شهر عادل و زیرمؤلفه‌های آن

متغیر	T	سطح معناداری	میانگین		مقدار آزمون=۳	
			میانگین	اختلاف میانگین	حد پایین	محدوده اطمینان ۹۵ درصد حد بالا
تنوع اقتصادی	0/02	0/98	3/00	0/00	-0/06	0/06
تنوع اجتماعی	-18/17	0/00	3/00	0/00	-0/53	-0/43
تنوع کاربری و فعالیت	-9/74	0/00	3/62	0/24	-0/29	-0/19
امنیت	-0/67	0/50	2/98	-0/02	-0/08	0/04
تفریح و سرگرمی	-5/78	0/00	2/88	-0/18	-0/24	-0/12

مقدار آزمون=۳		اختلاف		سطح	T	متغیر
محدوده اطمینان ۹۵ درصد	حد پایین	حد بالا	میانگین	معناداری		
-0/45	-0/56	-0/50	2/79	0/00	-19/38	ارتباطات
-0/19	-0/28	-0/23	2/88	0/00	-10/29	سرزندگی
-0/20	-0/28	0/84	3/62	0/00	-11/41	تنوع
0/00	-0/13	-0/06	2/42	0/06	-1/92	پاسخگویی و مسئولیت پذیری
-0/21	-0/37	-0/29	2/71	0/00	-7/07	عدالت و انصاف
0/56	0/41	-0/48	2/49	0/00	12/76	شفافیت و اطلاع رسانی
0/79	0/68	0/73	3/03	0/00	25/25	مشارکت شهروندان
0/27	0/17	-0/22	2/66	0/00	8/64	سازوکارهای نهادی عادلانه
-0/55	-0/67	-0/61	2/17	0/00	-19/86	هویت پذیری
-0/14	-0/36	-0/25	2/75	0/00	-4/35	حق تعلق مکانی
-0/36	-0/49	-0/43	2/46	0/00	-13/21	علاقه‌مندی به فضا و مکان
-0/28	-0/40	-0/34	2/66	0/00	-10/91	انسجام اجتماعی
-0/44	-0/55	-0/49	2/51	0/00	-18/38	توانمندسازی
-0/12	-0/23	-0/18	2/83	0/00	-6/17	عدم تبعیض
-0/30	-0/38	-0/34	2/66	0/00	-16/56	شمولیت اجتماعی
-0/14	-0/22	-0/18	2/61	0/00	-9/39	دموکراسی
-0/03	-0/15	-0/09	2/91	0/01	-2/82	آزادی در حضور و انجام فعالیت (دسترسی به فعالیت)
0/16	0/05	0/20	3/34	0/00	3/92	دسترسی به خدمات
0/06	-0/10	-0/02	2/38	0/63	-0/48	دسترسی به مسکن عادلانه
-0/69	-0/80	-0/73	2/21	0/00	-28/13	کنترل و مالکیت
-0/17	-0/27	-0/22	2/64	0/00	-9/14	دسترسی به فضا
-0/11	-0/20	-0/16	2/71	0/00	-6/28	برابری
-0/15	-0/23	-0/19	2/68	0/00	-10/22	شهر عادل

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که سطح معنی داری آزمون اکثر مولفه‌ها و زیرمولفه‌های شهر عادل کوچک‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، اختلاف معنادار منفی بین میانگین مؤلفه‌های شهر عادل و مقدار متوسط (۳) وجود دارد و این مولفه‌ها دارای وضعیت مطلوبی نیستند. در واقع دیدگاه خبرگان نسبت به متغیر شهر عادل در کلان‌شهر تهران با میانگین (۲/۶۸) در سطح کمتر از متوسط ارزیابی می‌شود. از این رو در وضعیت موجود کلان‌شهر تهران از نظر مولفه‌ها و زیرمولفه‌ها شهر عادل مطلوب نمی‌باشد و برای ایجاد مطلوبیت مناسب و ترسیم الگوی شهر عادل لزوماً باید میانگین مولفه‌های شهر عادل به سطح بالای ۴ در طیف لیکرت برسد. در این میان مولفه‌های (تنوع اقتصادی، تنوع اجتماعی، تنوع کاربری و فعالیت، مشارکت و دسترسی به خدمات) دارای وضعیت متوسط و مناسبی هستند و بحرانی نمی‌باشند (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای متغیر حق به شهر و زیرمولفه‌هایش

مقدار آزمون=۳		اختلاف		سطح	T	متغیر
محدوده اطمینان ۹۵ درصد	حد پایین	حد بالا	میانگین	معناداری		
-0/19	-0/31	0/25	3/02	0/00	-8/00	تعامل اجتماعی
0/26	0/14	0/20	2/70	0/00	6/89	امنیت
0/01	-0/10	0/05	3/13	0/12	-1/56	ارتباطات

متغیر	T	سطح معناداری	میانگین	مقدار آزمون=۳	
				اختلاف میانگین	محدوده اطمینان ۹۵ درصد حد پایین حد بالا
سرزندگی	-1/31	0/19	2/95	-0/03	0/02 -0/08
مسکن	2/32	0/02	2/30	0/09	0/17 0/01
خدمات	-24/55	0/00	2/83	-0/74	-0/68 -0/80
تفریح	-10/11	0/00	2/68	-0/31	-0/25 -0/37
دسترسی فضایی	-13/79	0/00	2/60	-0/32	-0/28 -0/37
حق تخصیص فضا	-8/41	0/00	2/78	-0/18	-0/14 -0/22
حمایت اجتماعی	-5/35	0/00	3/01	0/16	-0/10 -0/21
همبستگی و انسجام اجتماعی	-0/17	0/87	2/80	-0/01	0/06 -0/07
شمول اجتماعی	-3/21	0/00	2/92	-0/08	-0/03 -0/13
قانونمندی	12/70	0/00	2/71	0/46	0/53 0/39
مشارکت	22/66	0/00	2/63	0/70	0/76 0/64
پاسخگویی	-23/32	0/00	2/35	-0/65	-0/59 -0/70
مسئولیت پذیری	-5/28	0/00	2/57	-0/18	-0/11 -0/24
عدالت محوری	-19/36	0/00	2/47	-0/53	-0/47 -0/58
کارایی و اثر بخشی	-18/04	0/00	2/04	-0/96	-0/85 -1/06
حکمروایی شهری	-9/73	0/00	2/55	-0/19	-0/15 -0/23
حق مشارکت شهروندی	-6/76	0/00	2/30	-0/14	-0/10 -0/18
حق به شهر	-8/74	0/00	2/67	-0/16	-0/12 -0/19

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که سطح معنی داری آزمون اکثر مولفه‌های حق به شهر کوچک‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، اختلاف معنادار منفی بین میانگین مولفه‌های حق به شهر و مقدار متوسط (۳) وجود دارد و این مولفه‌ها و زیر مولفه‌ها دارای وضعیت مطلوبی نیستند. در واقع از دیدگاه جامعه آماری، وضعیت موجود کلان‌شهر تهران نسبت به متغیر حق به شهر با میانگین (۲/۶۷) در سطح کمتر از متوسط ارزیابی می‌شود. برای ایجاد مطلوبیت مناسب و توسعه رویکرد حق به شهر لزوماً باید میانگین مولفه‌های حق به شهر به سطح بالای ۴ در طیف لیکرت برسد. در این میان مولفه‌های (ارتباطات و حمایت اجتماعی) دارای وضعیت متوسط و مناسبی هستند و بحرانی نمی‌باشند.

- نتایج آزمون فریدمن

آزمون فریدمن جهت اولویت‌بندی و رتبه‌بندی متغیرها می‌باشد. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود سطح پوشش آماره آزمون (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معناداری (۰/۰۵) می‌باشد و این به معنی عدم تفاوت بین آزمون‌هاست، به عبارت دیگر فرض یک که وجود دست کم دو الویت متفاوت را تعریف می‌کرد، پذیرفته می‌شود و تفاوت معناداری در رتبه زیرمولفه‌های شهر عادل و حق به شهر در کلان‌شهر تهران وجود دارد. بر طبق نتایج آزمون فریدمن مشخص است که به ترتیب زیرمولفه دسترسی به خدمات (۱۴/۱۶ درصد)، تنوع اجتماعی (۱۴/۰۶)، تنوع اقتصادی (۱۲) و مشارکت شهروندان (۱۱/۰۹) بیشترین رتبه و مؤلفه هویت پذیری (۴/۵۰ درصد) کمترین رتبه را در میان زیرمولفه‌های شهر عادل دارد. یافته‌های دیگر هم نشان می‌دهد به ترتیب زیرمولفه ارتباطات (۱۲/۲۷ درصد)، تعامل اجتماعی (۱۱/۱۵ درصد) و حمایت اجتماعی (۱۱/۰۹ درصد) بیشترین رتبه را در میان زیرمولفه‌های حق به شهر و زیرمولفه کارایی و اثربخشی (۳/۷۶ درصد) کمترین رتبه را در میان زیرمولفه‌های حق به شهر دارد (جدول ۵).

جدول ۵. میانگین رتبه زیرمؤلفه‌های شهر عادل

میانگین رتبه	مؤلفه‌های حق به شهر	میانگین رتبه	مؤلفه‌های شهر عادل
11/15	تعامل اجتماع	12	تنوع اقتصادی
8/81	امنیت	14/6	تنوع اجتماعی
12/27	ارتباطات	10/81	امنیت
3/79	مسکن	10/51	تفریح و سرگرمی
10	خدمات	10/05	ارتباطات
8/57	تفریح	5/85	پاسخگویی و مسئولیت پذیری
11/09	حمایت اجتماعی	8/82	عدالت و انصاف
9/37	همبستگی و انسجام اجتماعی	5/95	شفافیت و اطلاع رسانی
9/01	قانونمندی	11/09	مشارکت شهروندان
7/57	مشارکت	4/50	هویت پذیری
4/5	پاسخگویی	8/98	حق تعلق مکانی
7/41	مسئولیت پذیری	8/25	انسجام اجتماعی
5/11	عدالت محوری	6/79	توانمندسازی
3/76	کارایی و اثر بخشی	10/14	عدم تبعیض
		10/60	آزادی در حضور و انجام فعالیت
		14/16	دسترسی به خدمات
		5/88	دسترسی به مسکن عادلانه
		4/65	کنترل و مالکیت

جدول ۶. نتایج آزمون فریدمن

شهر عادل	نتایج
حق به شهر	حجم نمونه آماری (N)
۴۰	۴۰
۱۹۸۵/۴۹۹	آماره کی دو (chi-square)
۱۳	۱۹۴۱/۵۶
۰/۰۰	درجه آزادی (df)
	۱۷/۰۰
	سطح پوشش آماره آزمون (Asymp. Sig)
	۰/۰۰

اعتبارسنجی مدل‌های اندازه‌گیری

برای تأیید مدل، بررسی پایایی ترکیبی و روایی همگرایی ابزار سنجش و پاسخ به فرضیات تحقیق استفاده از مدل-یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی^۱ با استفاده از نرم افزار اسمارت پی ال اس^۲ ضرورت می‌یابد. این روش تخمین ضرایب را به گونه‌ای تعیین می‌کند که مدل حاصله، بیشترین قدرت تفسیر و توضیح را دارا باشد؛ بدین معنا که مدل بتواند با بالاترین دقت و صحت، متغیر وابسته نهایی، را پیش‌بینی نماید. قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، ضرایب عاملی سؤالات پرسش‌نامه با استفاده از روش تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفت تا معتبر بودن داده‌ها برای تجزیه و تحلیل بررسی گردد.

^۱ Partial Least Square (PLS)

^۲ SMARTPLS

0/77	1/00	1/00	حق تخصیص فضا
0/85	0/82	0/69	شمول اجتماعی
0/77	0/76	0/37	حکمرانی شهری
0/75	1/00	1/00	حق مشارکت شهروندی
0/68	1/00	1/00	حق به شهر

با کمک شاخص میانگین واریانس استخراج شده مشخص شد که تمام سازه‌های مورد مطالعه دارای میانگین واریانس استخراج شده بالاتر از ۰/۴ هستند و روایی همگرای سازه‌ها مورد تأیید است. روایی همگرا به این معنا است که نشانگرهای هر سازه در نهایت تفکیک مناسبی را به لحاظ اندازه‌گیری نسبت به سازه‌های دیگر مدل فراهم آورند. به عبارت دیگر هر نشانگر فقط سازه خود را اندازه‌گیری کند و ترکیب آن‌ها به گونه‌ای باشد که تمام سازه‌ها به خوبی از یکدیگر تفکیک شوند. شاخص پایایی ترکیبی (سازگاری درونی) جهت بررسی پایایی پرسش‌نامه استفاده شد و تمامی این ضرایب بالاتر از ۰/۷ می‌باشند و نشان از پایا بودن ابزار اندازه‌گیری می‌باشند.

- ضریب تعیین

ضریب تعیین (R^2) معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون‌زا (مستقل) بر یک متغیر درون‌زا (وابسته) می‌گذارد. ضریب تعیین برای "متغیر وابسته" در مدل ساختاری این پژوهش در مدل تحقیق برابر با ۰/۶۸ به دست آمده است که نشان از برازش قوی مدل است.

- شاخص نیکویی برازش مدل (GOF)

این شاخص سازش بین کیفیت مدل ساختاری و مدل اندازه‌گیری شده را نشان می‌دهد. میزان شاخص GOF در این پژوهش برابر ۰/۸۴ شده است که نشان از برازش مناسب مدل دارد. به بیان ساده‌تر داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسو بودن سؤالات با سازه‌های نظری است.

- اعتبارسنجی مدل‌های ساختاری (پاسخ به فرضیه‌ها)

پس از اعتبارسنجی مدل‌های اندازه‌گیری نوبت به بررسی مدل ساختاری یا درونی تحقیق می‌رسد.

جدول ۹. نتایج ضرایب مسیر و آماره تی مؤلفه‌های پژوهش (اعتبارسنجی مدل ساختاری)

آماره تی	ضرایب در مدل اصلی	متغیر
52/21	0/89	تنوع اقتصادی
48/59	0/86	تنوع اجتماعی
57/77	0/88	تنوع کاربر و فعالیت
75/29	0/86	امنیت
48/45	0/84	تفریح و سرگرمی
9/42	0/75	ارتباطات
58/38	0/88	سرزندگی
66/44	0/90	تنوع
13/29	0/67	پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری
16/01	0/70	عدالت و انصاف
10/43	0/67	شفافیت و اطلاع‌رسانی
30/90	0/86	مشارکت شهروندان
26/58	0/75	سازوکارهای نهادی عادلانه

متغیر	ضرایب در مدل اصلی	آماره تی
هویت پذیری	0/44	12/00
حق تعلق مکانی	0/71	10/00
علاقه‌مندی به فضا و مکان	0/80	35/97
انسجام اجتماعی	0/70	46/48
توانمندسازی	0/68	18/40
عدم تبعیض	0/80	4/78
شمولیت اجتماعی	0/75	28/58
دموکراسی	0/76	23/89
آزادی در حضور و انجام فعالیت	0/91	71/76
دسترسی به خدمات	0/58	38/02
دسترسی به مسکن عادلانه	0/60	40/74
کنترل و مالکیت فضا	0/51	8/44
دسترسی به فضا	0/84	36/17
برابری	0/91	53/10
تعامل اجتماعی	0/86	19/71
امنیت	0/76	31/13
ارتباطات	0/85	60/61
سرزندگی	0/89	66/86
مسکن	0/61	24/66
خدمات	0/83	12/19
تفریح	0/75	15/47
دسترسی فضایی	0/88	68/45
حق تخصیص فضا	0/87	42/67
حمایت اجتماعی	0/83	44/18
همبستگی و انسجام اجتماعی	0/75	29/41
شمول اجتماعی	0/92	69/37
قانونمندی	0/76	10/76
مشارکت	0/73	11/58
پاسخگویی	0/67	8/77
مسئولیت پذیری	0/70	13/53
عدالت محوری	0/65	22/03
کارایی و اثر بخشی	0/15	2/61
حکمروایی شهری	0/87	49/21
حق مشارکت شهروندی	0/86	45/74

با توجه به نتایج جدول مشخص است که تمامی مولفه‌ها تأثیر معناداری بر زیرمولفه خود دارند و آماره تی بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشند. بنابراین تمامی مولفه‌ها در مدل تحقیق همبستگی معناداری با متغیرهای شهر عادل و حق به شهر می‌باشند.

جدول ۱۰. نتایج معادلات ساختاری جهت بررسی مسیر اصلی تحقیق

مدل	مسیر اصلی تحقیق	B	t	R ²	جهت رابطه
اصلی	ارتباط مولفه‌های شهر عادل با حق به شهر در کلان‌شهر تهران	۰/۸۲	۲۳/۱۴	۰/۶۸	مثبت

|t|>1.96 Significant at P<0.05, |t|>2.58 Significant at P<0.01

در بررسی مدل ساختاری، آماره تی نشان دهنده ضرایب معناداری می‌باشد که از خروجی مدل نرم افزار در شکل (۲) استخراج شده است. در این شکل اعداد روی مسیرها نشان دهنده ضرایب معناداری (آماره تی) هستند و اگر قدر مطلق این ضرایب بالای ۱/۹۶ باشند، تأیید می‌گردند. همچنین ضرایب بتا نیز خروجی مدل نرم افزار در شکل (۳) استخراج شده است. در این شکل اعداد روی مسیرها نشان دهنده ضرایب مسیر (آماره بتا) هستند و هر چقدر این ضرایب بالاتر باشند، نشان دهنده قدرت تأثیر بیشتر و قویتر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. بر اساس نتایج به دست آمده از ضرایب معادلات ساختاری، مقدار t برای مسیرهای تحقیق (طبق قاعده خطای پنج درصد در ناحیه رد فرض صفر برای مقادیر خارج بازه ۱/۹۶ تا -۱/۹۶) برآورد شده است. لذا می‌توان بیان نمود که مسیرهای تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود و شهر عادل ۸۲ درصد بر حق به شهر در کلان‌شهر تهران تأثیر مثبت معناداری دارد.

نتیجه‌گیری

شهر عادل و حق به شهر خواسته‌ای است که از دل تباینات و تناقضات فضای انتزاعی برمی‌خیزد. این خواسته از امکاناتی که در لابه‌لایی فضای متناقض سرمایه‌داری وجود دارد استفاده می‌کند و بروز می‌یابد. به همین دلیل است که صاحبان و تولیدکنندگان فضای انتزاعی (دولت، سرمایه و فن‌سالاران) آن را خوشایند نمی‌دانند. امروزه مسئله اصلی فضای شهری در کشور ایران این است که در آن بنیادهای شهر عادل و حق به شهر که حقی جمعی است، به نفع حقوق و منافع خصوصی افراد خاص صادره شده است. در این امتداد، شاید بتوان گفت که برخی شکست‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران و بویژه کلان‌شهر تهران به دلیل نشناختن مفهوم شهر عادل و حق به شهر است. در این بین کلان‌شهر تهران مرکز انباشت سرمایه و جاذب سیاست‌های جهانی است. در طول تاریخ این شهر همواره از سیاست‌های شهری جهانی تأثیر پذیرفته است. سیاست‌های شهری سرمایه‌داری و لیبرال به شدت در فضای شهری تهران نفوذ کرده است و شهر تهران با توجه به روابط پیچیده اجتماعی و فضایی مانند یک کالا بین گروه‌های ذی نفع و ذی نفوذ مبادله می‌شود. روبرو فضای موجود در ایران که از سیاست‌های متاخر جهانی تغذیه می‌شود سبب شده است تا نابرابری و بی‌عدالتی در فضای شهری تهران نمایان گردد. سیاست‌های فضایی سبب به وجود آمدن شکاف فضایی شده و جامعه را به دو قطب غنی و فقیر تبدیل کرده است. در این امتداد، این مقاله با هدف بررسی و تحلیل مؤلفه‌های شهر عادل و رابطه آن با حق به شهر در کلان‌شهر تهران انجام گرفت. نتایج یافته‌های پژوهش نشانگر این بود که سطح معنی داری آزمون اکثر مولفه‌ها و زیرمولفه‌های شهر عادل و حق به شهر کوچک‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، اختلاف معنادار منفی بین میانگین مؤلفه‌های شهر عادل و حق به شهر و مقدار متوسط (۳) وجود دارد و این مولفه‌ها دارای وضعیت مطلوبی نیستند. نتایج آزمون فریدمن نشانگر این بود که سطح پوشش آماره آزمون (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معناداری (۰/۰۵) می‌باشد و این به معنی عدم تفاوت بین آزمون‌هاست و به ترتیب زیرمولفه دسترسی به خدمات (۱۴/۱۶ درصد)، تنوع اجتماعی (۱۴/۰۶)، تنوع اقتصادی (۱۲) و مشارکت شهروندان (۱۱/۰۹) بیشترین رتبه و مؤلفه هویت‌پذیری (۴/۵۰ درصد) کمترین رتبه را در میان زیرمولفه‌های شهر عادل دارد. یافته‌های دیگر هم نشان می‌دهد به ترتیب زیرمولفه ارتباطات (۱۲/۲۷ درصد)، تعامل اجتماعی (۱۱/۱۵ درصد) و حمایت اجتماعی (۱۱/۰۹ درصد) بیشترین رتبه را در میان زیرمولفه‌های حق به شهر و زیرمولفه کارایی و اثربخشی (۳/۷۶ درصد) کمترین رتبه را در میان زیرمولفه‌های حق به شهر دارد. بر اساس نتایج به دست آمده از ضرایب معادلات ساختاری، مقدار t برای مسیرهای تحقیق (طبق قاعده خطای پنج درصد در ناحیه رد فرض صفر برای مقادیر خارج بازه ۱/۹۶ تا -۱/۹۶) برآورد شده است. لذا می‌توان بیان نمود که مسیرهای تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود و شهر عادل ۸۲ درصد بر حق به شهر در کلان‌شهر تهران تأثیر مثبت معناداری دارد. در نهایت با توجه به نتایج یافته‌های پژوهش نزدیک شدن کلان‌شهر تهران به شهر عادل و تحقق حقوق جمعی پیشنهادی زیر ممکن دانست:

- تضمین دسترسی عادلانه شهروندان به مسکن و محیط مسکونی و فضاها و خدمات شهری شایسته و درخور
- افزایش تنوع و اختلاط کاربری‌های شهری ۶ منطقه (۱۴، ۱۳، ۲۱، ۱۰، ۸، کم و ۱۷)

- ارتقا خدمات بهداشت و محیط زیست در مناطق مرکزی شهر از جمله ۱۰، ۱۱ و ۹ تهران.
- اصلاح قوانین مربوط به مسکن و زمین و محدود کردن استفاده چندباره بخش خصوصی و افراد حقیقی از ارزش افزوده ناشی از تولید فضای شهری به نفع بخش عمومی
- فراهم آوردن زمینه‌های اجتماعی و قانونی برای مشارکت مؤثر و نهادینه شهروندان در سرنوشت شهر
- فراهم آوردن زمینه‌های لازم شهر عادل برای حکمروایی خوب شهری از سوی نهادهای محلی
- توزیع عادلانه ارزش افزوده تولید شده در شهر به نحوی که همگان از آن منتفع شوند
- تغییر اساسی در الگوهای تولید، توزیع و مصرف فضای شهری
- نظارت کامل دولت بر استفاده از مصالح بومی بادوام و سازگار با محیط شهری تهران و تشویق و ترویج در جهت ارتقاء کیفیت سکونتگاه‌ها در جهت به کارگیری مصالح ساختمانی استاندارد.
- استفاده بیشتر از مصالح مقاوم مثل اسکلت فلزی و بتنی در مسکن نواحی ۲۲ گانه شهر تهران در مناطق نا برخوردار به منظور استحکام بخشی و مقاومت بیشتر در برابر بلایای طبیعی، ضروری است.
- اصلاح قوانین ساختمانی و ایجاد استانداردها و معیارهای فنی در مصالح ساختمانی برای شناخت مسکن اقتصادی بادوام، ارزان و ایجاد اشتغال.
- تقویت و حمایت از منابع مالی بانک‌ها در بخش اعطای تسهیلات مسکن، و تعدیل و دقت در ارائه خدمات یانکی به مناطق هدف و اولویت دار، اعطای وام مسکن و نحوه بازپرداخت وام.
- نظارت و دخالت دولت در تنظیم سازوکار قیمت زمین در بازار با اجرای سیاست ذخیره و عرضه زمین توسط دولت.
- برنامه ریزی در جهت بهره‌مندی نظرات شهروندان در جهت بهبود شاخص‌های کالبدی مسکن و برنامه ریزی در جهت تهیه طرح جامع مسکن، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و نابسامان.
- برنامه ریزی برای گروه‌های مختلف درآمدی در طرح‌های توسعه شهری و عملیاتی کردن برنامه ریزی مسکن گروه‌های کم درآمد در سطوح محلی.
- نگاه یکپارچه به بخش مسکن با در نظر گرفتن کلیه ابعاد آن (کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ...) و توجه بیشتر به شاخص‌های کیفی مسکن در کنار شاخص‌های کمی.
- توانمندسازی زنان شهروند: ستاد توانمندسازی در جهت توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار اقداماتی را در حوزه اشتغال-آفرینی، آموزشی، مشاوره، امور رفاهی و حمایتی انجام داده است. در رابطه با میزان سرانه دوره‌های آموزشی توانمندسازی زنان، مناطق ۱۱، ۲۱ و ۳ بیشترین میزان و مناطق ۱۹، ۲۲ و ۲۰ کمترین میزان را در این رابطه به خود اختصاص داده‌اند.
- ایجاد و تجهیز و توسعه مجموعه‌های بانوان: در این رابطه با وجود خدمات ارزنده در ایجاد مجموعه‌های فرهنگی برای زنان لیکن هیچ‌گونه تعادلی در انتخاب و ارائه خدمات دیده نمی‌شود؛ چنانچه تنها ۹ مجموعه شهربانو در مناطق ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ ایجاد شده است که در مناطق دیگر این موضوع مغفول مانده است. لذا دیگر مناطق که متشکل بر ۱۳ منطقه هستند از این مجموعه‌ها محروم مانده‌اند.

منابع

- تقوایی علی اکبر، بمانیان محمدرضا، پور جعفر محمدرضا، بهرام پور، مهدی (۱۳۹۴). میزان سنجی عدالت فضایی در چارچوب نظریه شهر عدالت محور؛ مورد پژوهی: مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران. مدیریت شهری و روستایی. دوره چهاردهم، شماره ۳۸، صص ۳۹۱-۴۲۳.
- سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۹۳)، گذری بر شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی، فصلنامه شهر پایدار، شماره یک، دوره ۱، صص ۱۶۳-۱۳۵.
- علی اکبری، اسماعیل، اکبری، مجید (۱۳۹۸). توسعه شهری دانش بنیان؛ تدوین نقشه راهبردی کلان شهر تهران، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه ریزی شهری، دوره هفتم، شماره ۲۱، صص ۱۷۰-۱۵۰.

- مرتضوی، مرتضی، شیخ، رضا (۱۳۹۸)، «بهینه‌سازی تخصیص بودجه مناطق شهری براساس شاخص‌های عدالت فضایی (مورد مطالعه: کلان‌شهر مشهد)»، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۷، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۸، صص ۴۴-۲۹.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، نتایج سرشماری نفوس و مسکن شهر تهران، ۱۳۹۵.
- Attoh, A.K. (2011). What kind of right is the right to the city?. *Progress in Human Geography*, 35 (5), 669-685.
- Barbieri, G. A., Benassi, F., Mantuano, M., Prisco, M, R. (2018). In search of spatial justice. Towards a conceptual and operative framework for the analysis of inter- and intra-urban inequalities using a geo-demographic approach. The case of Italy. *Regional Science Policy & Practice*.
- Bromberg, A., Morrow, G and Pfeiffer, D. (2007). Editorial Note: Why Spatial Justice?. *Critical Planning: A Journal of the UCLA Department of Urban Planning*. Los Angeles. see: http://publicaffairs.ucla.edu/sites/default/files/Editorial_UCLA_Crit_Plan_v14%20copy.pdf
- Connolly, J. J. T. (2018). From Jacobs to the Just City: A foundation for challenging the green planning orthodoxy. *Cities*. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.05.011>.
- Davidoff, P and Davidoff, L. (1978). "Advocacy in Urban Planning". In Weber, George H.; McCall, G. J. (eds.). *Social Scientists As Advocates: Views From Applied Disciplines*. Beverly Hills: SAGE. pp. 99-120.
- Davidoff, P. (1965) Advocacy and Pluralism in Planning, *Journal of the American Institute of Planners*, 31:4, 331-338.
- Davidoff, P. (1965). "Advocacy and Pluralism in Planning". *Journal of the American Institute of Planners*. 31 (4): 331-338. doi:10.1080/01944366508978187.
- Fainstein, S.S. (2005). 'Planning Theory and the City', *Journal of Planning Education and Research*. 25(2), pp. 121-130.
- Fainstein, S.S. (2010). *The just city*. Cornell University Press.
- Fainstein, S.S. (2011). *The Just City*; Cornell University Press: New York, NY, USA.
- Gottdiener, M. (1993): A Marx For Our Time: Henri Lefebvre and The Production of Space. In: *Sociological Theory – A Journal of the American Sociological Association*, 11/1, March 1993, N/A: N/A.
- Granberg, M and Glover, L. (2021). The Climate Just City. *Sustainability*, 13(3), 1201; <https://doi.org/10.3390/su13031201>.
- Harvey, D and Potter, C. (2009). *The right to the Just City*. Routledge.
- Harvey, D. (1973). *Social Justice and the City*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Harvey, D. (1990). *The Condition of Postmodernity: An Enquiry Into the Origins of Cultural Change*. Cambridge, Oxford: Basil Blackwell.
- Harvey, D. (2003). The right to the city. *Int. J. Urban Reg. Res.* 27, 939-941.
- Harvey, D. (2003). The right to the city. *International Journal of Urban and Regional Research*, 27 (4) (2003),
- Harvey, D. (2009). *Social Justice and the City*; University of Georgia Press: Athens, Greece.
- Harvey, D. (2012). *Rebel Cities: From the Right to the City to the Urban Revolution*. Verso Books .
- Harvey, David (1973): *Social Justice and the City*. Athens, Georgia: The University of Georgia Press.
- Harvey, David (2000): *Space of Hope*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Harvey, D and et al. (2013). *Cidades rebeldes: Passe livre e as manifestações que tomaram as ruas do Brasil*. Boitempo Editorial.
- Jian, I. Y., Luo, J., and Chan, E. H. W. (2020). Spatial justice in public open space planning: Accessibility and inclusivity. *Habitat International*, Vol 97, pp 1-10.
- King, P. (2015). *The Principles of Housing*. Routledge.
- Lefebvre, H. (1967). *The Right to the City*. In *Writings on Cities*; Kofman, E., Lebas, E., Eds.; Blackwell: London, UK.
- Meshkini, A., zarghamfard, M. & Kahaki, F. (2021). A comparative study of the right to the city in Iran. *GeoJournal*. <https://doi.org/10.1007/s10708-021-10421-6>.
- Molaei Qelichi, M., Murgante, B., Yousefi Feshki, M. et al. (2017). Urbanization patterns in Iran visualized through spatial auto-correlation analysis. *Spat. Inf. Res.* 25, 627-633. <https://doi.org/10.1007/s41324-017-0128-0>.
- Moroni, S. (2020). The just city. Three background issues: Institutional justice and spatial justice, social justice and distributive justice, concept of justice and conceptions of justice. *Planning Theory*, 19(3), 251-267. <https://doi.org/10.1177/1473095219877670>.
- Nawratek, K. (2012). *Holes in the Whole: Introduction to the Urban Revolutions*. Zero Books, Winchester .
- Nawratek, K. (2012). *Holes in the Whole: Introduction to the Urban Revolutions*. Zero Books, Winchester.
- New Urban Agenda, (2016). UN Habitat. <https://habitat3.org/the-new-urban-agenda/> (accessed 30.01.2018).
- Nozick, R. (1974). *Anarchy, State and Utopia*. Oxford, Blackwell.

- Opricovic, S. Tzeng, G. H. (2004), Compromise solution by MCDM methods: A comparative analysis of VIKOR and TOPSIS, Elsevier, *European Journal of Operational Research* 156 (2004) 445–455.
- Purcell, M. (2014). Possible Worlds: Henri Lefebvre and the Right to the City. *Journal of Urban Affairs*, 36(1),
- Sá, T.H and et al. (2019). Right to the city and human mobility transition: The case of São Paulo. *Cities*, Volume 87, 60-67,
- Soja, Edward W. (2010 B): *Seeking Spatial Justice*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Soja, S. (2009): 'The city and spatial justice', Spatial Justice Conference, Nanterre, Paris, March 12-14, 2008.
- Steil, J. P and Delgado, L. (2019). Limits of Diversity: Jane Jacobs, the Just City, and Anti-Subordination (2019). Steil, J. & Delgado, L. (2019). Limits of Diversity: Jane Jacobs, the Just City, and Anti-Subordination. *Cities: The International Journal of Urban Policy and Planning* 91: 39-48., Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3715715> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3715715>.
- Steil, J., & Connolly, J. (2018). The Just City. In A. M. Orum (Ed.). *The Wiley-Blackwell encyclopedia of urban and regional studies*. Malden: Wiley-Blackwell.
- Uitermark, J. (2011). An actually existing just city? The fight for the right to the city in Amsterdam. In N. Brenner, M. Mayer, & P. Marcuse (Eds.), *Cities for people, not for profit* (pp. 197–214). Blackwell: Oxford.
- Uitermark, J. (2012). S. Fainstein: The just city. *J Hous and the Built Environ* 27, 107–109. <https://doi.org/10.1007/s10901-011-9243-8>.
- Vacchelli, E and Kofman, E. (2018). Towards an inclusive and gendered right to the city. *Cities*, Volume 76, 1-3.
- Wagner, C. (2011). *Spatial Justice and the City of São Paulo*. Bachelor's Thesis in Major: Applied Cultural Sciences (Angewandte Kulturwissenschaften). Leuphana University Lüneburg.
- Wilkinson, R and Pickett, K. (2009). *The Spirit Level: Why Greater Equality Makes Societies Stronger*. Bloomsbury Publishing.
- Young, I.M. (1990). *Justice and the Politics of Difference*. Princeton University Press.
- Zarghamfard, M. and Meshkini, A. (2021), "Analysis of factors affecting the realization of right to adequate housing in Iran: developing an interpretive-structural model", *International Journal of Housing Markets and Analysis*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/IJHMA-02-2021-0021>.
- Zarghamfard, M., Meshkini, A., Pourahmad, A. and Murgante, B. (2020), "The pathology of housing policies in Iran: a criterion-based analysis", *International Journal of Housing Markets and Analysis*, Vol. 13 No. 3, pp. 453-473.